

### سفید شویی یک جنایت سیاه

فیلم «اوپنهاایمر» ساخته کریستوفر نولان که سال گذشته مجموعه‌ای از جوایز سینمایی از جمله اسکار، بفتا و گلدن گلوب را کسب کرد، تظہیر آمریکا را قاجحه انفجار دو بمب اتمی در زاین است. فیلم به شخص اوپنهاایمر و مقوله بمب اتم، از دیدی زیبایی‌شناسانه و از زاویه علم فیزیک نگاه می‌کند؛ انفجار اتمی با نگاهی زیبا به شکافت اتم‌ها و دنیای آنها به‌نمایش درمی‌آید و خبری از قارچ مخوف اتمی نیست؛ در فیلم تصویری از کشتگان و جنایت انسانی در ناکازاکی و هیروشیما نمی‌بینیم و از آنها به‌راحتی عبور می‌شود، چون مهم فقط اوپنهاایمر است.



آنچه در پلات داستان محور واقع شده، روابط اوپنهاایمر با بالادستان، دوستان، خانواده، اینشتین و دلبستگی او به علم فیزیک است؛ در پلان‌های متعددی، پرچم آمریکا با اینپت خودنمایی می‌کند. درواقع، خود اوپنهاایمر هم مهم نیست و روایت در بزنگاهی از او هم عبور می‌کند و درستی موضع دولتمردان آمریکا را محور قرار می‌دهد؛ عجالتا در این دنیا اوپنهاایمر باید ساخته شود و تمام دنیا به تماشایش بروند تا بدانند که آمریکا از همه پیشتر و قدرتمندتر است و به‌آن افتخار می‌کند و جان‌انسان‌های کشته‌شده هم برایش اهمیتی ندارد و این‌که این دنیای زیبای علم فیزیک از آن آمریکاست. حتی دانشمندانش نیز مهم نیستند و مهم القای اقتدار و پیشرو بودن آمریکاست.

### یک فیلم ملی آمریکایی

اوپنهاایمر یک فیلم ملی آمریکایی است، پس دنیا باید آن را ببیند و تکریمش کند. آیمکس، نولان، نگاتیو ۷۰ میلیمتری، دوباره شگفتی، فتح گیشه‌ها! عجبا! از منتقدانی که تسلیم شکوه سینماتیک فیلم شدند و لب به تحسین آن کشودند! من به‌عنوان یک معلم سینما به ظرایف و نقاط قوت سینماتیک فیلم آگاهم.

در این فیلم نقش میزآنسن‌دهی در روایت به‌کمال رسیده...، تدوین عالی، ریتم و تمپوی درست فیلم ما را در زمانی بالا میخکوب می‌کند و بازی ستودنی اوپنهاایمر به‌خصوص در قاب‌های کلوزآپ، روایت‌های درهم‌تنیده و رفت‌وبرگشت‌های زمانی و دیگر موارد برجسته... که در این‌مقال نمی‌گنجند؛ فیلمی از لحاظ فنی و سینمایی مثال‌زدنی و قابل تدریس اما فراموش نمی‌کنم که این هنر و زیبایی در خدمت هدفی غیرانسانی قرار گرفته؛ پس اوپنهاایمر را دوست ندارم.

و کلام آخر؛ باید از نولان پرسید: آقای نولان، اوپنهاایمرت عالی است اما تو در هیروشیما چیزی ندیدی؟

## توجه به سینمای اجتماعی؛ نیاز ضروری برای تنوع فرهنگی

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با ایلنا با اشاره به اهمیت سینمای اجتماعی و نیاز به توجه به این ژانر تأکید کرد که سینمای گیشه‌پسند و عامه‌پسند، به‌ویژه کم‌دی، بخشی از نیازهای اجتماعی ما هستند و باید مورد توجه قرار گیرند.
باین حال، او هشدار داد که به‌محاق رفتن سینمای اجتماعی می‌تواند به ضرر سینما و مصرف‌کنندگان آن تمام شود.
صالحی با اشاره به سلیقه‌های متنوع مصرف‌کنندگان در

حوزه فرهنگ و هنر، بیان کرد که وزارت ارشاد در تلاش است تا از تمامی حوزه‌های هنری، یک ویتترین جامع ایجاد کند. او افزود: «اگر یک بخش سینما به صورت کاریکاتوری رشد کند، سایر بخش‌ها از نظر اقتصادی و هنری آسیب خواهند دید.»
وزیر ارشاد همچنین به وضعیت فعلی سینما اشاره کرد و گفت که سینمایی گیشه‌پسند و کم‌دی به طور خاص مورد اقبال قرار گرفته‌اند اما این به معنای حذف سایر ژانرها نیست. او تأکید

# در جست‌وجوی هویت نسل زد

مسعود فرجام معتقد است، **آذر هفت صبح** فیلمی با روایت غیرخطی است و داستانی از تصمیمات سرنوشت‌ساز را به تصویر می‌کشد

طرز آشنایی‌شان خیلی متفاوت است. فکر می‌کنم خود این ماجرا هم به قصه ما خیلی کمک کرده است.
❗ یکی از جنبه‌های قابل توجه فیلم، نشانه‌گذاری‌های درون آن است؛ از جمله مهمانی و دیالوگ‌هایی که به‌طور مکرر تکرار می‌شوند. چه هدفی را از این نشانه‌گذاری‌ها دنبال کرده‌اید؟

بله، دقیقاً یکی از بخش‌هایی که به آن توجه داشته‌ایم، نشانه‌گذاری در فیلم است. درون فیلم، آدم‌ها به دنبال هویت خود می‌گردند و به‌طور کلی شخصیت‌های درون فیلم به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی هویت خود را در تنهایی پیدا می‌کنند و گروه دیگر در شلوغی که درون فیلم شاهد آن هستیم، تنها

و سعی کنم به آن نزدیک شوم، این طور نبوده است. قطعاً با ذهنیت و علاقه‌ای که به سینما دارم، این نوع سینما در آن زمان جالب بود. به‌هر حال، من این فیلم را سال ۱۳۹۷ نوشتم و ساختم اما به‌دلایل مختلف، شرایط اکران آن میسر نشد و هفت سال بعد این امکان به‌وجود آمد. شاید اگر امروز می‌خواستم این فیلم را بسازم، بدون شک به شکل دیگری آن را می‌ساختم.
❗ به نظر می‌رسد همین شیوه روایت غیرخطی باعث شده که فیلم آذر هفت صبح با وجود گذشت هفت سال از تولیدش، همچنان با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند و آنها را پس‌نزند. آیا شما نیز این نظر را تأیید می‌کنید؟

بله، نکته جالبی گفتید؛ البته مایلم این نکته را هم عرض کنم که وقتی فیلمی بعد از مدت طولانی اکران می‌شود، برای فیلمساز خیلی خطرناک است؛ زیرا شرایط فیلمساز در زمان ساخت فیلم با شرایط امروز را کاملاً تفاوت دارد. زمانی که من این فیلم را می‌ساختم، ۳۱ ساله بودم و اکنون در حال ورود به ۲۸ سالگی هستم، قاعداً آدمی در این مدت زمان پخته‌تر شده و علایق متفاوتی دارد. اما اغلب دوستانی که فیلم را دیدند، این نکته را گفتند که انگار فیلم برای هفت سال پیش نیست، هم به‌واسطه نوع روایت، هم مونتاژ، حتی طراحی لباس و...

❗ علاوه بر نوع روایت انتخابی، موضوع فیلم نیز به‌گونه‌ای است که تاریخ انقضا ندارد. این فیلم به‌وضوح به نسل Z و دنیای این نسل می‌پردازد. چه دلیلی شما را به انتخاب چنین موضوعی برای فیلم‌تان سوق داد؟
جرقه این داستان برای من در یک تاکسی اتفاق افتاد که دو جوان سوار تاکسی شدند و با هم صحبت می‌کردند. قصه از دل دیالوگ‌های این دو جوان شکل گرفت. برای من، شکل روایتی که آن موقع می‌شنیدم که حتی اکنون هم وجود دارد، نشان می‌دهد که قصه فیلم قصه‌کهنه‌ای نیست. فضایی که این نسل در آن زیست می‌کند نسبت به فضایی که حداقل در دهه ۶۰ وجود داشت و قبل از آن، بسیار متفاوت است و روابط و شوخی‌های متفاوتی دارد. شما وقتی فیلم را می‌بینید، متوجه می‌شوید که همه اتفاقات دست به دست هم می‌دهد تا شخصیت‌ها تصمیم‌های غلط بگیرند و مسیر زندگی آنها تغییر کند. اگر آن شوخی را نمی‌کردند یا اگر آن فرید نامی که در فیلم حضوری سایه‌وار دارد (در فیلم حضور دارد اما ما آن را نمی‌بینیم) با دو دختر به آن مهمانی می‌رفت، شاید آنها تصمیم نمی‌گرفتند با آدمی که اصلاً نمی‌شناختند، شوخی کنند. شاید اگر اصلاً به آن مهمانی نمی‌رفتند، هیچ‌وقت این اتفاقات نمی‌افتاد. شاید اگر آن راننده تاکسی موبایل را پس می‌داد، دیگر به آن مکان بر نمی‌گشتند. اگر نامزد شخصیت اشکان شک نمی‌کرد، شاید قصه همان‌جا تمام می‌شد. تفاوت این پرسوناژها و طرز نگاهی که به زندگی دارند، همگی دست به دست هم می‌دهد تا قصه پیش برود. من فکر می‌کنم تفاوت این نسل با نسلی که در دهه ۶۰ و قبل از آن وجود داشت، این است که حتی مدل روابط اجتماعی و

یک فیلم مستقل نهایتاً ۲۰ روز فیلمبرداری داشته باشید،

در حالی‌که یک فیلم با شرایط بودجه‌ای و تولیدی بهتر، ۹۰ جلسه فیلمبرداری دارد. حتما این دو فیلم با یکدیگر تفاوت دارند. وقتی زمان داشته باشید و روزی یک دقیقه فیلمبرداری کنید، قطعاً متفاوت است با زمانی که زمان ندارید و مجبورید روزی ۱۰ تا ۱۲ دقیقه فیلمبرداری کنید. اگر بخواهیم این دو دسته را در کفه ترازو بگذاریم، فکر می‌کنم در گروه هنر و تجربه فیلم‌هایی وجود دارد که در قصه و فیلمنامه این پتانسیل را دارند که بهتر دیده شوند اما شرایط تولید برای این فیلم‌ها معمولاً مهیا نیست. این موضوع برای بچه‌هایی که مستقل عمل می‌کنند، وجود دارد و همیشه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

کرد که باید به نیازهای مختلف اجتماعی توجه شود و سینمای اجتماعی به‌عنوان یک بخش مهم از این نیازها باید دوباره به صحنه بازگردد. وی همچنین عنوان کرد: ما باید تلاش کنیم تا حرکت‌هایی که می‌توانند محتوای سالم را به جامعه ارائه دهند، مورد تقویت قرار گیرند، به‌ویژه در حوزه‌هایی که می‌توانند مصرف‌فرهیختگی و کیفی را به جامعه منتقل کنند و باره‌ای از مصارف میندزل را کاهش دهند.



هستند. تفاوت این نسل در همین است که انگار در مرکز توجه بودن، آنها را به یک آرامش می‌رساند و این موضوع در دیالوگ آخر فیلم هم وجود دارد. مثلاً همسایه طبقه بالای شخصیت اشکان می‌گوید: «من کی مهمانی شبیه مهمانی‌های شما رفتم؟» این نشان می‌دهد که شکل مهمانی که این نسل برگزار می‌کند، با نسل‌های پیشین خود متفاوت‌تر است. اینها فضا سازی‌هایی است که شخصیت‌های فیلم در آنها قرار می‌گیرند تا قصه پیش برود.

❗ در دو قسمت از فیلم، بیت شعری از رباعیات خیام به تصویر کشیده می‌شود. دلیل انتخاب این شعر خیام برای فیلم چه بوده است؟

از ابتدا قرار نبود که این شعر درون فیلم باشد اما بعد به این نتیجه رسیدیم، چون خودم خیلی دوست داشتم که فیلم با یک شعر شروع شود. فکر کردم که این شعر مناسب داستان فیلم است و به قول معروف، وقتی پرده‌ای از میان هر نوع ارتباطی می‌افتد و چیزهایی عیان می‌شود، دیگر آن ارتباط از دست می‌رود.

مثل فیزیک کوانتوم که وقتی شما به چیزی توجه نمی‌کنید، آن را شیء یا شکل است و وقتی به آن توجه می‌کنید، مدل آن شیء تغییر می‌کند. در نظر من چنین بود و نمی‌دانم شعر چقدر به فیلم کمک کرد اما امیدوارم که شعر توانسته باشد این حس را ایجاد کند.

❗ در فیلم به‌علاوه بازیگران جوان، از تجربه بازیگران باتجربه‌ای هم بهره برده‌اید. تجربه همکاری با این بازیگران چگونه بوده است و چه تأثیری بر روند فیلم داشته‌اند؟

من در مرحله پیش‌تولید برای نقش‌های اصلی، مخصوصاً نقش شادی که خانم گرمای بازی کردند نقش هانیه، به دنبال بازیگری بودم که بتواند حسن دوستی و رفاقت میان این دو را به‌خوبی منتقل کند. برای نقش هانیه با چند نفر هم صحبت کردیم، اما من از خانم گرمای درخواست کردم که اگر دوستی دارند که تئاتری است و بازیگر بوده و دوستی نزدیکی با آن فرد دارند، او را معرفی کنند؛ زیرا آن حس رفاقت مدنظر من بین آنها از پیش شکل گرفته بود. به‌هر حال فیلم‌های مستقل از نظر زمان نمی‌توانند پیش‌تولید و تولید طولانی داشته باشند. من دوست داشتم تا جایی که ممکن است، دوستی از پیش وجود داشته باشد و به همین خاطر خانم گرمای، خانم افشاری را به من معرفی کردند که بازیگر بسیار خوبی بودند. می‌توانم بگویم که همه بچه‌ها بسیار خوب بودند. حتی خانم فراهانی که افتخار دادند به ما و همراهی کردند. حتی با این‌که حضور کوتاهی در فیلم داشتند ولی در بسیاری از جلسات شرکت می‌کردند و نظر می‌دادند. فکر می‌کنم حضور خانم فراهانی، حضور جالبی بود و به فیلم کمک زیادی کرد.

### سینما حقیقت

## آقای خاص سینما به جشنواره می‌آید

مستند «گیله پیرمرد» به کارگردانی علی رستگار در هجدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت به نمایش درمی‌آید. این فیلم که به زندگی و شخصیت اردشیر کاظمی، بازیگر سینما و تلویزیون می‌پردازد، به تهیه‌کنندگی میلاد باقری ایران ویزه‌ای خواهد داشت. یکی از نکات جالب این مستند، حضور مه‌ران مدیری و تجدید دیدار او با کاظمی است. همکاری این دو هنرمند به فیلم «دایره زنگی» (سال ۱۳۸۶) بازمی‌گردد، جایی که کاظمی نقش پدر کاراکتر مدیری را ایفا کرد. همچنین، آخرین همکاری آنها در سریال «قهوه‌پدری» بوده است. علاوه بر این دو، چهره‌های دیگری چون علی صف‌ا، سروش صحت، علیرضا خیمسه و بهاره رهنما نیز در این مستند حضور دارند. مستند «گیله پیرمرد؛ گزارش نامشخص از وضع نامشخص» ساعت ۲۱ جمعه ۲۳ آذر در سالن ۴ پردیس سینمایی چارسو به نمایش درمی‌آید. دیگر عوامل این فیلم عبارتند از: مدیر فیلمبرداری؛ پارسا مهرآوری، تدوینگر؛ محمد رضا افسوشین، مجری طرح؛ رضا باقری، دستیار تهیه‌کننده؛ ملینا هواکمیان و مدیر تولید؛ نگار مالیا. هجدهمین جشنواره سینما حقیقت از ۱۸ تا ۲۵ آذر با دبیری محمد حمیدی مقدم برگزار می‌شود.



### رویداد

## درخشش «پریسان» در برزیل

فیلم سینمایی «پریسان» در جشنواره «سوروکابا» برزیل موفق به دریافت چندین جایزه در بخش‌های مختلف این فستیوال شد. سینمایی پریسان در ادامه حضور بین‌المللی خود این بار در جشنواره سوروکابا که در شهر ریودوژانیرو برزیل برگزار شد در چندبخش جوایز مختلفی را به‌دست آورد. ساخته کامبیز بابایی در این جشنواره جایزه اسب طلایی بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از آن خود کرد. جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد این فستیوال به فرهاد قائمیان اهدا شد و جایزه اسب طلایی «آثارگردارترین بازیگر زن» نیز به صحرالاسداللهی اختصاص یافت. هیأت داوران جشنواره سوروکابا همچنین جایزه اسب طلایی بهترین فیلمبرداری را به مجید گرگیان اهدا کردند. این فستیوال اسب طلایی بهترین تدوین و بهترین چهره‌پردازی را نیز به ترتیب به عماد خدابخش و محمود دهقان اهدا کرد. فیلم سینمایی پریسان به‌تازگی نیز در دو جشنواره ناوادا هند و فیلم مکزیک جوایز بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از آن خود کرد. فرهاد قائمیان، لینداکیانی، ثریا قاسمی، سیاوش طهمورث، شقایق فراهانی، سپیده مظاهری، شارمین علیمحمدی و نادیا شادمان بازیگرانی هستند که در پریسان به ایفای نقش پرداخته‌اند.



### موفقیت سینماگران ایرانی در جشنواره المپیا

جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان المپیا در یونان، دو جایزه مهم به سینماگران ایرانی اهدا کرد. در بیست‌وهفتمین دوره این جشنواره، انیمیشن «در سایه سرو» به کارگردانی حسین ملایمی و شیرین سوهانی جایزه بهترین انیمیشن کوتاه را کسب کرد. همچنین، مستند «من هم بزرگم» به کارگردانی عطیه رازع ارندی تقدیرنامه بخش مستند بلند را دریافت کرد. این جشنواره که از سال ۱۹۹۷ در شهر پیرگوس برگزار می‌شود، به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان فیلم کودکان و نوجوانان در یونان شناخته می‌شود.

